



مردم از زندگی می‌افتند. فکر کنید با سرجم خراب یا لوله دستشویی ترکیده زندگی چقدر سخت‌تر می‌شود؟

حتی تصور این وضعیت هم عصبی کننده است؛ اینکه در این وضعیت خانه نشینی و قرنطینه مهم برای کمک و تعمیر وسایلهای مهم در خانه وجود نداشته باشد و شما مجبور باشید مانند پتروس فداکار دست خود را در لوله ترکیده فرو کنید تا آب خانه‌تان را نبرد. برای بخشی از جامعه هم حضور شاغلان کارهای خدماتی حتی گاهی حیاتی می‌شود بخصوص برای کسانی که تنها زندگی می‌کنند یا سالمندانی که توانایی انجام کارهای اینچنینی ندارند. سالمندانی که باید با رعایت بیشتر پروتکل‌ها یا به خانه‌هایشان گذاشت. البته که رعایت پروتکل‌ها باید به‌صورت دوطرفه باشد تا رفع گرفتاری را موجب هر خانه به مشکل برنگردانند.

را عوض می‌کند: «آقا ما از این کرو
کنیف‌ها هستیم، کی حوصله دارد هر
روز لباس عوض کند، ما شنیم هم
همین است که کارواغنی و کنیف،
مگر می‌شود روزی صدارت دست را
شست و ضدعفونی کرد وقتی دائم
از یک خانه به آن خانه می‌روی. خدا
برکت بدهد به کرو که آن امت
آقدر همه خانه ماندند که تند تند
همه چیزشان خراب می‌شود.» انگار
که زیادی گوشه رینگ مانده باشند
سعی می‌کند با رنج جدی حرف‌های
تازه‌ای بزند: «احالا ما به شوخی
می‌گوییم این طوری همه نیست که
رعایت نکنیم اگر نخواهیم رعایت
کنیم که دیگر مشتری دهمی را از
دست می‌دهیم، چه کسی هست که
لاست را در این شرایط اقتصادی بخواهد
مشتري از دست بدهد؟ بالاخره ما
هم زن و بچه داریم که منظر نان
ما هستند و نگران سلامتی ما در این
وضعیت که همه در خانه نشسته‌اند
ما هم اگر بخواهیم در خانه بنشینیم

روی صورت برای مرد افت دارد.
می‌خندد و سعی می‌کند حرف‌ها را
نظراتش را با چاشنی شوخی و خنده
میچرخاند که تا راه فراری برایش باشد:
«با شاگردم رفته بودیم خانه مشتری
که لوله‌های گرفته سینک آشپزخانه
را باز کنیم طرف ماسک جان جلوی
دست جواب داد: «آ تا همان به ما داد.
گفتا جواب‌های خودتان را بندهاید
دور و دمیای شلوار را هم فرو کنید در
جواب‌های نو که شلوار روی فروش
کنشیده نشود.» شما بودی خنده‌ات
نمی‌گرفت؟ ولی ما که به جرأت
اشتریم بخندیم دوتا ماسک روی
هم زدیم و کار را سریع تمام کردیم و
با جواب‌های نو اندیم بیرون، البته
این را هم بگویم سن بالا بود و کردی»
او به خاطر کارش عذرخواهی کرد...
او از مشتری‌های قدیمی می‌توانست
می‌کند که جلوی در با او دست
می‌دهند و حسایی «با عشق»
هستند. از رضا می‌پرسم چند لباس
بپاس کار دارد و هر چند وقت لباس

اول ناراحت شدم اما بعد حق دادم و حتی خوشحال هم شدم. یک بار هم زنی مسن که همسرش هم تازی عمل قلب کرده بود روی همه فشاریالاتی که قرار بود تعمیر یا تعویض شوند را با نایلون و چسب نواری پوشانده بود و آخر کار کبسه را بزاله آورد و من خواست نایلون ها را بردارم و داخل کبسه بریزم. کف آشپزخانه را هم کلاً پارچه پهن کرده بود.» او رفتارهای وسواس گونه مشتری ها را می بیند و خودش هم سعی می کند تا بداند کردن احساس خوبی به آنها دهد. تذکری های مانند ضلعوفنی کردن زمین یا سطحی که یکیف ابرازش را آنجا می گذارد. راضا که تقریباً ۵۰ ساله سن دارد آن بی حوصله است. به قول خودش همواره است از برقراری یا تعمیر آیفون گرفته تا نصب و تعمیر رادیاتور، از آن تیپ آدم های یکجکه به نظرش زیاد رعایت کردن تأثیر معکوس دارد و بیشتر از یک مایر

گویی مشاغل خدماتی و تأسیساتی قرنطینه بردار نیستند

باماسک و جوراب نو وارد شوید!

محمد معصومیان | گزارش نویس

تا همین یک سال پیش شغلی معمولی بود با درآمد متوسط اما حالا به قوه محمود، با سلام و بیلبات در خانه مردم را باز می‌کنند و داخل می‌روند: «اول نگاهایی به صورت طرف می‌کنم اگر سرحال باشد با خیال راحت می‌روم داخل تا کارهای اولیه‌کشی به تعویض شیرآلات را انجام بدهم. آنقدر این مدت دوستانم از خانواده‌هایی گفتند که کرونا داشتند اما به روی خودشان نیاوردند و حتی ماسک هم نزدند که دیگر چشمم ترسیده است.»

سرویس کاران و نصاب‌ها با کارگرانی که برای کارهای خدماتی و تأسیساتی وارد خانه‌ها می‌شوند، این روزها ترس‌های زیادی دارند و بعضی‌ها هم خودشان با رعایت نکردن پروتکل‌ها تبدیل به ترس خانواده‌ها می‌شوند.

متأسفانه همه گیری کرونا باعث نشد که شیر آلات خانه هرز شوند. اما یکپارچگی صدهای تولید کنند که نشان از خرابی قریب الوقوع دارد. انکار در خانه ماندن باعث شده همه لوله ها و شیر آلات سیستم مورد آزمایش با سرمایش بیشتر مورد استفاده قرار بگیرند و طبعاً روزی هم خراب بشوند. اگر شما هم مثل من دست به آچار نباشید مجبور می شوید قزطینه را بشکستید و سرویس کاری را به خانه اه دید که یکی ماسک نمی زند و دیگری جعبه ابزهار را روی کابینت می گذارد.

بروم و خداروشکر به نظر خطرناک
بیخ گوشم گذشته است. کار ما هم به
شدنی است که اگر یک مدت ناشیام
زنگی خورمان کم می‌شود برای
همین دادم دست به اه‌هستم که
مریض نشوم»،
محمود کارش لوله‌کشی و تعویض
و تعمیر شیرآلات است، کاری که
باعث می‌شود گاهی به حمام یا
سرویس بهداشتی خانه‌ها
برود که این اضطراب ابتلا به
۱۹۶۹ را برایش بیشتر می‌کند.
او از خانواده‌هایی می‌گوید که با
رفتن او به خانه‌ها مسک می‌زنند و
پنجره‌ها را باز می‌گذارند: «می‌روی
داخل می‌بینی امن است اما بچه
خانواده را بدون ماسک ول می‌کنند
توی دست و پای ما، واقعا بچه
است هنوز فکر می‌کنند بچه مبتلا
نمی‌شوند. البته بعضی بچه‌ها را
هم می‌بینی که آنقدر خوب تربیت
شده‌اند که خودش با آدم می‌گویند
همه دست را بشو یا الکل می‌آورد
جلوی در قیل از ورود به دست آدم
می‌زنند.» او که یک بار سابقه بیمار
شدن دارد حساسی چشمش تریسده:
«فهمیدم چطور شد که مبتلا شدم
خیلی هم سخت بود. البته ما داخل
مغازه هم دور هم می‌نشینیم و
چای می‌خوریم و سیگار می‌کشیم.
شاید آنجا گرفته باشم، او تعریف
می‌کند که خانواده‌ها هر کدام رفتاری
متفاوت به برخورد با اه‌ها دارند
و چندتایی هم در ذهنش مانده:
«یک بار در خانه را باز کردم دیدم
تمام مسیری را که قرار بود به بروم
سفر می‌کردم به مصرف پهن کردم.
پودند تا بایام را روی فرش نگذاهم»

یک جدول با دو شرح

بجدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم پردازید.

۷۶۱۵

- ۹- ی بنیان - از محبت گل می شود - آتش قرآنی
- ۱۰- ی آغازی - شهر شامی - بهره
- ۱۱- برکت برج - پیشوند ضمیمه - سر - بوی ماندگی
- ۱۲- خندان - همان گپ است - شغلش پاک کردن غلات است
- ۱۳- زندگی کردن - کم‌دین معروف - فیلمی به کارگردانی «روح الله حجازی»
- ۱۴- ایالتی در «امریکا» حلوا ی شیراز - صدا و نغمه
- ۱۵- زردی - دومین رمان «آلن پینون» نویسنده اهل آفریقای جنوبی
- ۱۶- نمودی:
- ۱۷- اثر دینی «شهری» - نوعی سنگ درگون بسیار
- ۱۸- شاعر
- ۱۹- هدایت الکتریکی - مغازه خیاطی - شهری در «سوئد»
- ۲۰- رنگ است مانند حنا - دارنده صفت های ناپسند - مسود کردن
- ۴- ورم چشم - کار زرمود
- ۵- ماهی کنسروی - نیرو و توان - سالها
- ۶- شیدت - پاره کفن - نگین انگشتری - تیم فرانسوی
- ۷- از مرکبات ترش مزه و بر خاصیت «باری «روشن کن»» هرگز نه
- ۸- «روستای تاریخی کندان» - رنگی مرکب از زرد و سبز - شرکت ارائه دهنده جمیل
- ۹- خمیری چسبنده برای آماده سازی سطح - مقابل «افراط»
- ۱۰- کوچک - تانکون - مادر آذری - مایع بدن یا منشأ سلیمانی
- ۱۱- واضح - از اقوام اسلاو - رزمینه
- ۱۲- آوردن - پیراستن - قدمی در دست
- ۱۳- گیاه شیرین - محله ای قدیم در «تبریز» - همسایگی
- ۱۴- مخفف از آن - حرکتی در دیوالیوال - پارچه ای نخنی
- ۱۵- مخترع «جدول کلمات متقاطع» - مکتب ادبی هنر برای هنر

[illegible][illegible]

افقی:
۱- مشیر حضرت علی (ع) - گلمرلی
پوش «پوشبولیس»
از آن است - آپارتمان - استاده و منتصب
شهر «آیشار چلدر» - ران:
ریدف - بارها
چ از رزاین - جاده هوار - دشنام گو - پژمردگی و
دوستسای - قایق - نصف خوار
شاعر قصیده سرای عهد قاجاریه - شخص
یا
خاطر - قرقی - گوشه‌ای در سنگدانه‌های سه گاه،
صمت سپاهیان و واژگون - نیم نیش مردان
ای پوش شب - دختر خالدار - نام «گاکاری»
و - آشن و سارگاری - از قطعات خودرو -

دندان‌ها دراز و رو بیابان- مترجع لاستیکی - موافقت
 دهن
 بهادر صف می گذارند!- مرطوب- وام، قرض
 آوارام- پاکداشت- شب نیست!
 باز رنگش شیرین در سربال «نون خ» که
 شد شد

کسی در غیاب او- یکی از روش های امنیت
 اصلاح طرح یخزند
 گروگونا- فهمیدن- سرو سامان
 گرفته خدای بسیار لذت
 گیاهی طبیعت
 فوئده، سفید، موهایی سرشار از ویتامین
 ب- قسمتی از پاپیوس کویت سبک- راندن

مانند کار شدن در جالی- جنس مذکر
 آواره- نشستن برای شکار
 زیور«این»- پهلوهای ایرانی
 ترکی- ظرف آب جوش- رودی در «مصر»-

زنبیک «دلچنان» واقع در استان مرکزی-
 بخارا- قداب افغاندی
 نوی- قباب کادر
 تسماس و پرخورج- نشانی اداره و خانه
 صفت- بنا یافتنی- مقصود معنی
 استخدام ادارات- زبان کشاورزان
 «پهلوان»

افقی: ۱- فیلمی اسپانیایی به کارگردانی لوئیس بونول، «واحدیول «آنگولا» سیفید که از آسیب زمینی گرفته می‌شود- نژاد بازی آتلانین کودکان ۸ تا سال- طبقه داری -ده شهری در «افغانستان» شدن- پسر «فریدون»- کشوری در «آفریقا»- تده- کشایش‌ها- گوزه ادبی بهار بیهوشست- عاشق وشیفته- رنگی برای چشم ری وخوشدگی- لباس سفرا آخرت- بارچه

جدول سودوگو

مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

३६४९

منوسط

	۲		۳	۸				
	۹				۵	۲	۱	
	۳	۴		۷	۲			
		۹					۸	
		۲		۹		۷		
	۷					۹		
			۵	۶		۸	۳	
	۴	۳	۹				۲	
				۲	۳		۶	

آسان

۸	۲						۶	
۷	۳		۲	۱		۸		۹
			۳		۹	۷	۴	
۹	۸		۵			۴		
		۳				۹		
		۲			۴		۸	۳
	۱	۷	۹		۵			
۳		۵		۴	۸		۹	۷
	۹						۱	۴

خیلی سخت

			۱				۹
۸					۳	۴	
۴		۶		۲			۸
	۷				۲		
		۲	۴		۷	۶	
			۵				۷
	۶			۷		۳	۵
		۱	۳				۲
	۵				۸		

سخت

		۹		۵			
۱	۸		۹				۵
۳		۲		۷			
			۲		۷	۳	
	۱						۹
		۳	۸		۱		
				۵		۶	۲
	۳				۶		۷
			۱			۴	

Figure 1 displays four 10x10 grids showing the frequency of letters in the Arabic alphabet for four different corpora: 'جملات' (Sentences), 'ساخت' (Construction), 'متوسط' (Average), and 'آسان' (Easy). Each grid contains a 10x10 matrix of numbers representing the frequency of each letter (A-Z) in the respective corpus. The letters are arranged in the same order as in the figure: A, B, C, D, E, F, G, H, I, J, K, L, M, N, O, P, Q, R, S, T, U, V, W, X, Y, Z. The 'جملات' grid shows the highest frequencies, while the 'آسان' grid shows the lowest frequencies.